

مهدی گلجان 1

سپیده افشار رضائی²

چکیده

رضا خان با هدف ایجاد قدرت مطلقه به دنبال آن بود که مشروطه را که تقریباً ناکام مانده بود مطابق مدل های غربی به روز آن زمان از جمله ترکیه به جمهوریت تبدیل نماید. طرح جمهوریت با همه فراز و نشیب هایی که داشت، نشان داد که برخلاف مشروطیت جایگاه و پایگاه داخلی ندارد. چند علت عمده در ناکام شدن جمهوریت موثر بود: اول اینکه تمام شخصیت های بنام کشور وابسته به انگلیس و شوروی، خواهان جمهوری بودند از جمله رضا شاه که خواستار قدرت مطلقه بود و دیگر آنکه این اندیشه بدون درک و شناخت مبانی نظری و بدون نیاز و شعور اجتماعی تنها با پیروی از نمونه های خارجی آن تعقیب می شد، مضافاً اینکه افراد مورد توجه و محبوب مردم چه از رجال و چه از میان علما با جمهوریت مخالف بودند. مردم به قانون اساسی، مجلس و مشروطه دلبستگی داشتند و می پنداشتند اگر اصول مشروطیت درست عملی گردد ریشه معضلات خشکانده می شود.

کلید واژه: جمهوریت، رضاخان، مشروطیت، روحانیت، مجلس

The republicanism of Reza Khan

Reza Khan was looking to establish absolute power that almost failed constitutional According to Western models to turn on the time of the Turkish republicanism. republicanism layout with all the ups and downs that did not show that A few major cause pain position is unconstitutional and internal database failed republicanism was effective: The first is that all the characters affiliated with the English name of the country and the Soviet Union were demanding Republic Including Reza Shah, who demanded absolute power and that the idea without understanding the theoretical foundations and without the need of And social consciousness only by following the examples were chased outside, In addition, individual attention, and both men and popular among the scholars disagreed with republicanism. People to the constitution, the Constitutional Assembly and had attachment And thought that if implemented the principles of the constitutional right to be dried root problems.

¹. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه ازاد اسلامی واحد شهرری / یادگار امام ره

². دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه پیام نور

Keywords: republicanism, Reza khan, constitutional, clergy, parliament.

طرح مسئله :

در گستره تاریخ معاصر ایران از دوره قاجار تاکنون گرایش‌های جمهوری خواهی به اشکال گوناگون مطرح شده است. از زمان محمد شاه قاجار زمزمه ای جمهوری خواهی به تبعیت از جمهوری فرانسه در تهران به گوش رسید که هر چند ضعیف و مبهم بود اما می توان آنرا سرآغاز فصل جدیدی از اندیشه سیاسی در ایران به حساب آورد. بیشتر نخبگان سیاسی تحت تاثیر ساختار اجتماعی ایران و وجود سلطنت مطلقه شاهی، توان خود را صرف اصلاح ساختار سیاسی از نظام مطلقه شاهی به مشروطه پارلمانی کردند، زیرا جمهوری را یک مدل افراطی برای ایران آن زمان میدانستند. در جریان مشروطه خواهی، مشروطیت شکل گفتمان غالب را به خود گرفت و تمام توان نخبگان سیاسی و علمای مذهبی صرف تئوریزه کردن مشروطیت شد. در دوران نهضت جنگل به رهبری میرزا کوچک خان، ایران اولین تجربه ی تاسیس نظام جمهوری در شکل منطقه ای را از سر گذرانید، همزمان در تبریز شیخ محمد خیابانی نیز خواستار استقرار نظام جمهوری در ایران شد، وی در صدد ارتباط با میرزا بود و می خواست به هدف مشترکشان یعنی استقرار جمهوری در ایران جامه عمل بپوشاند.

اما مهمترین و جدی ترین حرکت جمهوری خواهی در ۱۳۰۲ ش بوسیله رضاخان انجام گرفت. واضح است که هدف رضا خان از جمهوری تضعیف نظام قاجار و صعود خود به اریکه قدرت بود. این حرکت برای مدتی به صورت گفتار غالب بیشتر کنشگران سیاسی، روزنامه ها و روزنامه نگاران و نخبگان، احزاب مترقی مانند تجدد از جمهوری خواهی در آمد. در جاییکه می بایست نظام جمهوری قانونی شود یعنی مجلس شورای ملی، مخالفت جناح اقلیت سد بزرگی در مقابل هواداران جمهوری ایجاد کرد. این مقاله در پی پاسخگویی به این سوالات است:

- عوامل موثر در ایجاد فکر جمهوریت رضاخان چه بوده است؟

- علل ناکامی جمهوریت رضاخان چه بودند؟

- برخورد اقلیت مجلس برای مخالفت با جمهوریت رضاخان چگونه بود؟

فرضیه ی اصلی تحقیق :

علیرغم تلاشهای رضاخان و اکثریت مجلس با طرح جمهوری، تاکتیک رضاخان در طرح جمهوریت از چنان وضعی در عمل برخوردار بود که نتوانست در برابر مقاومت های مجلس و روحانیون تاب آورد، حال آنکه سرسختی رضاخان برای همگان آشکار بود و او هنگامیکه در دستیابی به اهداف خود یعنی متزلزل کردن پایه های حکومت قاجار و همچنین آماده سازی اذهان برای تغییر رژیم و در نهایت به قدرت رسیدن خود اطمینان حاصل کرد در کنار گذاشتن تقاضای جمهوریت لحظه ای درنگ نکرد و اهداف خود را نه برقراری جمهوری بلکه استقلال ایران و حفظ و حراست عنوان کرد.

مقدمه : پیشینه ای از اندیشه جمهوری در ایران

اصطلاح جمهوری به معنای جدید آن یعنی بعنوان یک نظام سیاسی، محصول تفکر انقلاب کبیر فرانسه بود که در اواخر قرن ۱۸م مانند سایر واژه‌های فرنگی به دایره ادبیات سیاسی ترکها وارد شد و از آن پس بتدریج در سایر جوامع مسلمین نفوذ کرد. شاید نتوان خیلی دقیق مشخص کرد که چنین اندیشه ای برای بار اول از کجا در تاریخ ایران آمده است، اما شاید بتوان گفت اولین مواجهه جامعه ایران با اولین نمایندگان نظام جمهوری در عهد فتحعلی شاه در دوره رقابت فرانسوی ها و انگلیسی ها که یکی بعلت نفوذ و دیگری به لحاظ حفظ منافع خود در هندوستان تقلا می کردند، انجام گرفت. (آدمیت، ۱۳۴۰: ۳۵؛ ر.ک: گاردان، ۱۳۶۲: ۴۳-۴۷)

در فترت بین مرگ محمد شاه و رسیدن ناصرالدین میرزا از تبریز به تهران نوعی شورای دولتی متشکل از رجال بلند پایه برای اداره حکومت بوجود آمد. (ر.ک: جهانگیر میرزا قاجار، ۱۳۲۷: ۳۱۷؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۹۳ - ۱۵/۸۳) امیرکبیر پس از ورود به تهران فوراً صدرالممالک اردبیلی رئیس مجلس را به قم تبعید کرد و بساط مجلس مشورتی برچیده شد زیرا با وجود امیرکبیر و ناصرالدین شاه وجود چنین مجلسی توجیهی نداشت. بنابراین اندیشه مجلس مشورتی برای مدت نامعلومی به تعویق افتاد. دومین باری که از جمهوری بحثی به میان می آید ترجمه رساله ای به عنوان کتابچه ای در باب قواعد حکمرانی فرانسه است که در عصر ناصری توسط ژول ریشار فرانسوی ترجمه شده است. (امین، ۱۳۸۰: ۸۶)

از نخستین ایرانیانی که در سفرنامه خود در خصوص انقلاب فرانسه و نظام جمهوری سخن به میان آورده میرزا صالح شیرازی است. (ر.ک: بامداد، ۱۳۷۱: ص ۱۷۵ به بعد؛ ۲؛ شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۵۳) در این دوران مسلماً منظور از جمهوری، لفظ مشورت خانه بوده است که حکومت با اراده و مشورت جمعی اداره شود. با آمدن میرزا آقاخان نوری که معرف تفکر ارتجاعی بود این مجاری نفوذ اندیشه های جدید به کلی مسدود گردید (ر.ک: آدمیت، ۱۳۵۱: ۱۶) از پایان عصر امیرکبیر تا آغاز دولت سپهسالار ۲۰ سالگی گذشت و در این مدت بحران های سختی پیش آمد که موجب شد اندیشه اصلاح جلوه ی تازه ای پیدا کند. در زمان میرزا حسین خان مشیرالدوله نخستین طرح قانون اساسی ایران به ضمیمه یک سلسله نوآوری های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به ناصرالدین شاه عرضه گردید. دارالشورای دولتی، مصلحت خانه عامه و مجمع فراموشخانه بوجود آمد. (آدمیت، پیشین: ۱۷) در این زمان زمزمه هائی مبنی بر فکر دموکراسی به گوش می رسد، نویسندگان این آراء و عقاید در مملکت از گروه ترقی خواهان و روشنفکران زمان بشمار می آمدند و منبع افکارشان آثار متفکران بزرگ فرانسه بود. همه آنها مطرح می کند که تمام دول جمهوری مشروطه می باشد و دولت مشروطه چون به درجه کمال رسد دارای تربیت پارلمانی می شود. (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۱۰-۲۱۱) در آن دوران از نظر گاه مردم سنت پرست، الفاظ آزادیخواه، جمهوری طلب، مفسدوبی دین، ملازم یکدیگر بکار می رفتند چنانچه می گفتند آنهایی که در فرانسه تحصیل نموده و تربیت می شوند، جمهوری پرست و بی دین خواهند شد. " (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۸۶، ۲۰۳) در همین دوران ظلل السلطان نیز نغمه جمهوری سر داده بود که البته او چون نمی توانست سلطنت کند از جمهوری خواهی بعنوان یک حربه برای به قدرت رسیدن استفاده می کرد. (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۸۷؛ بامداد، ۱۳۷۱: ۸۴، ۷۸/۴) و...

بعد از اعلان مشروطیت تا انقلاب اکتبر روسیه بدلیل شرایط سخت کشور بطور موقت بحث جمهوری در محافل تعطیل شد. در این اثنا بود که ایالات آذربایجان و گیلان از تسلط حکومت مرکزی خارج شدند و اعلام حکومت جمهوری کردند. (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۱۴۰) (خیابانی، ۱۳۵۴: ۲۹۵؛ فخرایی، ۱۳۵۴: ۲۴۴) در یک جمع بندی کلی میتوان گفت که جمهوری خواهی در دوره قاجاریه متأثر

ازدو گرایش عمده بود : ۱. تحصیلکرگانی که به مدل جمهوری فرانسه نظر داشتند که نتوانستند آنرا به عمل درآورند ۲. گروه دیگری که به مدل کمونیستی شوروی توجه داشتند که در عمل موفق به تشکیل جمهوری های منطقه ای شدند.

رضاخان و مساله جمهوریت

رضاخان با اعتبار و قدرت، آزادی خواهان و روشنفکران آشنا بود و به خوبی می دانست که در بین این گرایش های مختلف کسانی هستند که به مجرد شنیدن اسم جمهوری، تصور خواهند کرد که با این طرز حکومت، فوراً ایران نظیر فرانسه، سوئیس و آمریکا خواهد شد و همینکه زمزمه تغییر حکومت و آوازه جمهوری بر زبانها بیفتد این گروه قدرتمند با او همراه خواهند شد و اگر یکی دو سالی بعنوان ریاست جمهور بر این کشور حکمفرمایی کند از ریاست جمهوری تا سلطنت قدمی بیش نخواهد ماند. بنابراین این طبیعی تر این است که بدست آزادیخواهان ۲ آتش، خود را به ریاست جمهوری برساند. (مستوفی، پیشین: ۳/۵۸۵؛ رک: میلسپو، بی تا: ۱۷۹؛ بهار، ۱۳۵۷: ۲/۳۰) انقلاب اکتبر و جمهوری ترکیه، تفکر رجال و آزادی خواهان داخلی همراه با سرخوردگی های اجتماعی توده مردم پس از مشروطیت، رضاخان تیزهوش را به سمت گزینش طرحی برای حکومت آینده خود هدایت کرد که به بهترین نحو مشکل اساسی او یعنی قانون اساسی را حل می کرد. در مملکتی که مشروطه شده بود و قانون اساسی قداست خاصی پیدا کرده بود، هر چیزی در چهار چوب قوانین آن معنی و مفهوم خاص می یافت و مشروعیت پیدا می کرد. قانون اساسی مملکت، مقام و منزلت شاه و سلطنت را محترم می شمرد و مجلسیان پاسدار آن به حساب می آمدند. در ماههای آخر سال ۱۳۰۲ ش اندکی پس از مسافرت احمد شاه به اروپا در تهران زمزمه جمهوریت بلند شد... (صدیق، ۱۳۵۲: ۱/۲۸۰). رضاخان برای مبارزه با سلطنت و شاه در حقیقت می بایست با قانون اساسی مبارزه کند و این تنها به دست او انجام شدنی نبود. بهترین راه این بود که این فکر از درون مجلس برخیزد و مجلسیان خود به تغییر و تعویض قانون اساسی بپردازند. لذا به فکر تسخیر مجلس افتاد و سعی در مداخله نمودن در انتخابات مجلس پنجم کرد و تا حدی هم موفق شد. چرا که این مجلس در صورت پیروز شدن نیروهای رضاخان می توانست نقش تعیین کننده ای در آینده سیاسی او بازی کند. بنابراین رضاخان و عمال نظامی و سیاسی وابسته به او که اکنون در همه ارکان کشور نفوذ فراوان داشتند با همه عنوان و امکانات در انتخابات و گزینش نمایندگان مداخله نموده تا ترکیب دلخواه خود را راهی مجلس نمایند (بهار، پیشین: ۱/۳۰۷؛ ملیکف، پیشین: ۶۶؛ رک: مستوفی، پیشین: ۳/۶۰۶) و به همین منظور برای ایجاد پایگاهی استوار در محافل زمینداران و بورژوازی ملی حزب تجدد شکل گرفت تا به مانند حزب جمهوری خواه ملت در ترکیه بصورت حزب فراگیر دولتی عمل نمایند. (بهار، ۱۳۵۷: ۳۰۳-۴/۴؛ رک: ملیکف، ۱۳۵۸: ۶۵)

با اینهمه در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۰۲ ش مجلس پنجم بعد از نطق افتتاحیه محمد حسن میرزای ولیعهد به جای شاه گشایش یافت. ابتدا مجلس به ریاست میرزا یحیی دولت آبادی تشکیل جلسه داد و به انتخاب هیات رئیسه پرداخت که حسین پیرنیا (موتمن الملک)، سید محمد تدین و مرتضی قلی بیات بعنوان نایب رئیسان مجلس انتخاب شدند. جناح اکثریت تلاش می کرد با پایان دادن سریع به بررسی اعتبار نامه های نمایندگان و رسمیت بخشیدن به مجلس هرچه زودتر لایحه جمهوریت را به شورعلنی بگذارند و از تصویب نمایندگان مجلس بگذرانند. (بهار، پیشین: ۲/۲۸) روز اول فروردین ۱۳۰۳ ش توپ نوزد به تبریک جمهوری غرش کند و رضاخان در این روز به عنوان رئیس جمهور مملکت به سلام بنشیند. (هدایت، پیشین: ۳۶۳) حتی سردمداران جنبش جمهوری مقادیری سکه های طلا و نقره با عنوان جمهوری ضرب کرده بودند تا در نوزد بعنوان عیدی از سوی

شخص رئيس جمهور به مقامات كشوري و لشكري اهداء گردد. (مكي، پيشين : ۲/۴۵۲؛ دولت آبادي، پيشين : ۳۱۱ / ۴؛ مستوفي، ۱۳۷۱: ۳/۶۰۶-۵۳۸)

در مقابل جناح اكثريت ، جناح اقليت به رهبري مدرس قرار داشت كه همواره با سياستهاي جاه طلبانه رضاخان و اقدامات غير قانوني اومبارزه ميكردند و از نظام مشروطه و آرمانهاي آن دفاع مي نمودند. مجلس چند روزي را به كارهاي مقدماتي ، از قبيل تعيين هيئت رئيسه و تشكيل شعب پارلماني و رسيدگي اعتبارنامه ها در شعب و... پرداخته و بالاخره در دهه آخر اسفند ، توانست وارد رسيدگي به اعتبارنامه وكلا در مجلس علني بشود . بر سر تصويب اعتبارنامه ها كشمكش و مبارزه بين عناصر جمهوري طلب و مخالفين انجام گرفت. (هدايت ، پيشين : ۳۶۲) با همه اين احوال زمان رسيدگي به طرح جمهوريت رسيد ، اين طرح در ۳ ماده تنظيم شده بود و مقدمه آن چنين آغاز مي شد نظر به تلگرافهاي عده اي كه از سراسر كشور و از سوي تمام طبقات ملت درباره لزوم انقراض سلطنت قاجار و تشكيل نظام جمهوري واصل گشته و در همه آنها آشكارا اختيار تغيير رژيم به مجلس شوراي ملي واگذار شده است كه به قيد فوريت به مجلس شوراي ملي پيشنهاد مي كنيم تا به آراء عمومي گذاشته شود: ماده اول تبديل رژيم سلطنت به جمهوريت؛ ماده دوم اختيار دادن به وكلاي دوره پنجم كه در موارد قانون اساسي موافق مصالح مملكت و رژيم جديد تجديد نظر نمايند و ماده سوم پس از معلوم شدن نتيجه آراء عمومي تغيير رژيم بوسيله مجلس شوراي ملي اعلام گردد . (رستمی ۱۳۷۸: ۱/۱۰۶)

در اين مجلس طرفداران دو فراكسيون بودند نخست فراكسيون "تجدد" (بهار ، ۱۳۶۳: ۲۸-۲۷) تحت رهبري محمودتدين كه توانسته بود خود را نايب رئيس اول مجلس كند و ديگري فراكسيون سوسيال اونيفيته تحت رهبري سليمان ميرزا و طباطبائي بود. (مستوفي، پيشين: ۳/۵۸۶) البته در اين مجلس وكلائي هم وجود داشتند كه بدون عضويت در اين فراكسيونها ، نسبت به رضاخان به مناسبت خدماتش نظر موافق داشتند. در مقابل اين صف عظيم، فراكسيوني مستقل كه در راس آنها مستوفي الممالك و مشيرالدوله قرار داشتند كه با اقليت هم آواز شده بودند. (پاولويچ ، ۱۳۵۷: ۱۶۵؛ غني ، ۱۳۷۷: ۳۳۲)

طرح مدرس اين بود كه با مخالفت با اعتبارنامه هاي وكلا حتي المقدور مجلس را از رسيدن به حد نصاب كافي براي بحث در قوانين بازدارد تا طرفداران اكثريت نتوانند موضوع جمهوريت را مطرح و رای كافي بدست آورند . به همين منظور مدرس با ايراد نطق هاي طولاني مخالفت با اعتبار نامه نمايندگان رضاخان و با افشاي نقش نظاميان در انتخابات آراء همه كسانيكه فارغ از اراده ملت انتخاب گشته اند را يکسره باطل و بي اعتباري شمرد (مذاكرات مجلس دوره پنجم ، ۱۲-۱۳ / ۱) و با اغلب اعتبارنامه ها اعم از خودي و بيگانه مخالفت كرد... (مدرس، بي تا: ۸۱) تا جلسه به نتيجه اي نرسد. حزب تجدد و طرفدارانش از خشم مي جوشيدند و در مقابل آن اشكال قانوني كه مدرس ايجاد مي كرد هيچ چاره اي جز تسليم نداشتند. تدين با مدرس در سر مخالفتهاي او با اعتبارنامه هاي وكلا كشمكش مي كرد ، مدرس هم تقاضاي رای مخفي كرد تا اعتبار نامه ها ديرتر بگذرد و تعداد براي روزهاي آخر اسفند به حد نصاب نرسد . جلسه هاي ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ اسفند با اين كشمكش ها گذشت ، در جلسه ۲۷ تدين نيز به تلافي برسر اعتبارنامه ميرزا هاشم آشتياني از اقليت به مخالفت برخاست ، بين مدرس و تدين كار از مذاكره معمولي مجلس گذشت و كار به محاجه ۲ نفری رسيد . (بامداد ، پيشين : ۲/۲۳۵) در خارج از جلسه ، بين وكلا كار به مشاجره ، فحاشي و ضرب و شتم رسيد . دكتر حسين بهرامي كه در فراكسيون تجدد قرار داشت به مدرس سيلی محكمي زد ، امريكه با مخالفت بسيار مواجه

شد و روند را به سود جناح اقلیت تغییر داد. در نتیجه این اقدامات ۲ جناح با اعطای امتیازات به یکدیگر از تعقیب ماجرا و نتایج آن دست کشیدند و به مصالحه دست زدند. (دولت آبادی، پیشین: ۳۱۵/۴)

در این میان دسته ای از اقلیت با تبانی مدرس و اطرافیان به همراهی ناظم العلمای ملایری، دست غیب و شیخ الاسلام ملایری و چند نفر دیگر به عنوان زیارت به طرف قم رفتند تا هم تحویل سال رادر کنار مرقد حضرت معصومه باشند و هم بدین وسیله مجلس شورای ملی برای روز مقرر از اکثریت بیندازند. دسته دوم به رهبری مدرس در تهران ماندند تا اگر مجلس اکثریتی پیدا کرد و با جمهوری خواهان مبارزه و در تمام جلسات حاضر شوند. از دیگر افراد این دسته غیر از مدرس، اتابکی، حایری زاده یزدی، سیدحسین زعیم کاشانی، اخگر، ملک الشعرا بهار، سید مصطفی بهبهانی، سید محی الدین مظاهری و... بودند. علاوه بر این اقدامات مدرس برای دفع الوقت ۳ پیشنهاد به رضاخان کرد که اگر وی یکی از این ۳ پیشنهاد را قبول کند مدرس با او موافقت خواهد کرد: ۱. مجلس شورای ملی "دوره پنجم" را منحل کرده انتخابات را با قید اینکه نمایندگان حق خلع احمد شاه را داشته باشند تجدید نماید. ۲. احمد شاه را از سلطنت خلع کرده یکی از اطفال خانواده قاجاریه را به سلطنت انتخاب و مجلس نیابت سلطنت را بعهده رضاخان واگذار نماید. ۳. مراجعه به آرا عمومی صورت بگیرد. (مکی، ۱۳۵۹: ۴۹۸/۲) اما او زیر بار هیچیک از این پیشنهادات نرفت. در این میان رضاخان به این فکر افتاد که عده ای از تحصیلکردگان را وارد نماید تا ذهن جامعه را از تبلیغات مخالفین جمهوری خالی کرده و با قلم، زبان و تشویق مردم را برای قبول جمهوریت آماده کنند.

این افراد تحصیلکرده در کنار بازوی نظامی سعی در تحکیم مبانی نظری و تبلیغات جمهوریت داشتند در همین خصوص کنفرانس ها و سخنرانیهای بیشماری را بر پا داشتند. در اکثر بعد از ظهرها در کلوب سوسیالیستها واقع در میدان بهارستان تجمعی بود که پیرامون جمهوریت کنفرانس هائی بعمل می آمد. (ر.ک: مستوفی، پیشین: ۵۹۲) در این چند روز احزابی پیدا شدند که هیچ بازوی سیاسی و نیروی اجرائی در مجلس نداشتند و پس از پایان غائله جمهوریت بلافاصله فروکش کردند. کما اینکه در این ایام حزب جمهوری خواهان، حزب مستقل دموکرات ایران و حزب جمهوری بوجود آمد. (ملیکف، ۱۳۵۷: ۷۷؛ ر.ک: ستاره ایران، ۱۹ اسفند ۱۳۰۲: شماره ۱۴۴)

سرانجام تدین در واپسین لحظات جلسه قبل از نوروز از مجلس تقاضا کرد که در آستانه نوروز با تصویب طرح جمهوریت به ملت عیدی بدهند. سرانجام بعد از بحث های زیاد قرار شد کمیسیون تخصصی مرکب از ۱۲ تن نمایندگان مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد. که این امر با مخالفت تدین مواجه شد، اما قرار شد برای حفظ مصالح مملکت کمیسیون در وضعیت حاضر انجام همه پرسی را با منتها درجه سرعت لازم انجام دهد که با پایان وقت اداری جلسه به پس از نوروز ۱۳۰۳ ش موکول شد. (رستمی، پیشین: ۱۰۸-۱۰۷/۱)

طرح جمهوری خواهی در بیرون از مجلس و واکنش مردم

محافل وابسته به رضا خان که گمان می کردند در پایان سال حاکمیت قاجارها پایان می یابد دستورالعمل هایی به فرمانداران و عوامل اجرایی در شهرستانها و نیز وزارتخانه ها در تهران ابلاغ کرده تا با کمک نظمیه و بلدییه با اقدامات مشخصی با هدف محقق این برنامه انجام دهند. (مستوفی، پیشین: ۳/۵۵۸) تلگرافها و پیامهای مکرری به مجلس فرستاده می شد و همزمان با این اقدامات تظاهرات خیابانی همه روزه صبح ها و بعد از ظهرها با برنامه ریزی قبلی تا زمان تصویب اصول سه گانه تغییر رژیم

سياسي از مشروطيت به جمهوريت در اطراف مجلس برپا مي کردند تا نشان دهند که جمهوري خواهي یک آرمان ملي و توده اي مي باشد و مجلس بايد آنرا قبول نمايد. (مکي، پيشين: ۲/۴۷۱) عده اي جمهوري خواه اعم از سوسياليست و غيرسوسياليست، کارکنان ادارات و وزارتخانه و نظاميان که کفني سرخ برروي لباس پوشيده بودند و پرچم هاي سرخي که روي آن نوشته شده بود زنده باد جمهوري در گردش بودند به مجلس رفتند و خواستار برکنار شدن احمد شاه و برقراري جمهوري شدند. (مکي، پيشين: ۲/۴۷۵) روز ۲۷ اسفند يعني يکروز بعد از سيلی خوردن مدرس، تهران پرچنب و جوش بود مردمی که مخالف رضاخان بودند به طرف مسجد شاه رفتند و در آنجا به تظاهرات و سخنراني برضد جمهوري پرداختند. جمهوري خواهان تصميم داشتند اجبارا بازار را تعطيل کنند ولي مردم و کسبه زير بار نرفتند. (هدايت، پيشين: ۳۶۳) با اين وصف جمهوري خواهان تصميم گرفتند عصر روز ۲۹ عده اي را به بازار بفرستند و به هر نحو ممکن بازار را تعطيل کنند (مکي، پيشين: ۴۸۷؛ مستوفي، پيشين: ۵۹۴؛ مکي، پيشين: ۲/۴۷۵) رئيس نظميه درگاهي که قضيه را احساس کرده بود خواست بوسيله توليد اغتشاش بازار را ببندد و اصناف را در مقابل کار انجام شده قرار دهد. از اينرو چند تير در بازار خالي شد و درگاهي دستور داد فورا درب مساجد مهم را ببندند. شيخ محمد خالصي زاده که همه وقت به اتفاق ديگر يارانش براي وعظ بر ضد جمهوري به مسجد شاه مي رفت (مکي، پيشين: ۲/ ۴۷۶) درهاي مسجد را بسته ديد، براي جمع آوري جمعيت در وسط بازار، عباي خود را در وسط بازار روي زمين انداخت و مشغول نماز شود، رفته رفته جمعيت زياد شد، وي بعد از نماز نطق مهيجي عليه جمهوري و تدبير ايراد کرد و مردم و صنوف مختلف بازار را براي ابراز مخالفت از جمهوري به مجلس شورای ملي دعوت نمود و همراه با طومارهاي امضا شده به طرف مجلس به راه افتادند. آنها وارد صحن مجلس شدند، خالصي زاده رابه اطاق هيئت رئيسه بردند تا بعد از اتمام جلسه ملاقات حاصل شود. (مستوفي، پيشين: ۳/۵۹۵) تدبير و ۲،۳ نفر ديگر از جلسه رسمي خارج شدند، به اطاق هيئت رئيسه رفتند و بي مقدمه خالصي زاده را به باد کتک گرفتند، کم کم مردم متوجه شدند و خواستند از دروي پنجره بالا رفته به کمک وي بشتابند. اين عده همينکه عصبانيت مردم را مشاهده کردند خالصي زاده را رها کرده به جلسه بازگشتند. (هدايت، پيشين: ۳۶۳) رئيس مجلس جلسه را به تدبير و روساي نمايندگان اصناف را پذيرفت و آنها را آرام کرد و وعده داد که عرايضشان طرف توجه مجلس قرار خواهد گرفت و قرار گذاشت که مردم بعد از ظهر ۲ فروردين به مجلس آمده با نمايندگان مذاکره نمايند. (دولت آبادي، پيشين: ۳۵۱ / ۴) رضاخان همراه هيأتي با حضور مخبرالسلطنه هدايت، معين الدوله و احتشام السلطنه جهت متقاعد ساختن وليعهد به استعفا به نزد او رفتند و وعده کردند که در ازاي استعفا حقوق ماهيانه اي به همراه يکي از قصرهاي سلطنتي با گارد ويژه براي او تعيين کنند که وليعهد قبول نکرد. (گلشائيان، ۱۳۴۹: ۹۷) در آن اوضاع و احوال، اکثر قريب به اتفاق مردم پايتخت که با حوادث کشور از نزديک آشنا بودند، تمايل به گروه اقليت داشتند و نطق و دستورات آنها را نصب العين قرار مي دادند. (بهار، پيشين: ۲/۴۴۴)

سرانجام رضا خان و اعضاي دولت با شرکت نکردن در مراسم سلام نوروزي دربار به گونه اي مشروعييت سلطنت را به زير سوال بردند. درمیان وقفه ايجاد شده در تعطيلي مجلس بخاطر نوروز نیز مطبوعات هوادار دولت يکپارچه به ستايش از نظام جمهوري پرداختند و استقرار نظام جمهوري را ضروري شمردند. از طرف ديگر مخالفان جمهوري خواهي عمدتا به رهبري علما به سخنرانيهاي تند عليه جمهوري دست زدند و مردم را به برگزاري تجمعات دعوت نمودند و با بسيج کردن نيروها تظاهراتي در روز ۲ فروردين به راه انداختند. در همين راستا نزديک به ۳۰ هزار نفر از مخالفان جمهوري با شعارهاي "زنده باد احمد شاه مرده باد جمهوري" و "ما تابع قرآنيم جمهوري نمي خواهيم" به تظاهرات پرداختند و با رهبري مجتهد اصفهاني و عبدالحسين خرازي

وارد بهارستان و باغ مجلس شدند. انبوه جمعیت باعث شد که نیروهای نظامی در ابتدای کار هیچ اقدامی انجام ندهند. (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ۲/۶۷) درگیریهایی که بین ۲ جناح صورت گرفت باعث شد که تا تعدادی از رهبران مخالف جمهوریت توسط شهربانی دستگیر و زندانی شوند، دنبال این ماجرا مخالفان به رهبری جمال اصفهانی و خالصی زاده از علما در مقابل مجلس تجمع نموده و با رئیس مجلس دیدار کردند. (بهار، پیشین: ۲/۴۳) بعد از ظهر این روز جمعیت عظیمی از تمام محلات تهران و همچنین دسته ای بلند بالا از چاله میدان به زعامت شیخ عبدالحسین خرازی با بیرق های سفید که روی آنها نوشته شده بود "اراده، اراده ملت است"، "ما دین نبی داریم، جمهوری نمی خواهیم" و... به طرف بهارستان راه افتادند. (بهار، پیشین: ۴۵) مستوفی، پیشین: ۵۹۸) عده قلیل جمهوری خواهان دچار نگرانی شدند که موجب شد جمعیتی از جمهوری خواهان داخل مجلس به سردار سپه تلفن کنند و از وی یاری جویند. بنا بر این سردار سپه هم عده ای از نظامیان را مسلح ساخته و به بهارستان فرستاد و خود چند دقیقه ی بعد با جمعی از افسران به آنجا رسید. سردار سپه خود را به نزدیکی پله رسانید، روی پله شیخ مهدی سلطان واعظ مشغول وعظ بر ضد جمهوری بود سردار سپه با شلاق خود ضربه ای به او نواخت و دستور داد او را از پله ها پایین بکشند. این حرکت او به حاضرین در صحنه گران آمد و یک نفر از میان جمعیت پاره آجری به طرف وی پرتاب کرد که به پشت وی اصابت نمود. خشم او زیادتر شد و دستور داد مردم را بزنند و از صحن بهارستان بیرون برانند. (دولت آبادی، پیشین: ۳۵۹-۴/۳۵۴) مردم برخی فرار و عده ای مقاومت کرده شمشادها و اشجار باغ مجلس را از ریشه در آوردند و به قزاق ها حمله ور شدند، نظامیان عده ای را دستگیر کرده و به کلانتری بردند. این اقدام رضا خان با مخالفت رئیس مجلس قرار گرفت و با وی درگیری لفظی پیدا کرد. رئیس مجلس و رضاخان در یک جلسه ۳ ساعته قرار گذاشتند که او از پی گیری و تلاش برای تغییر نظام سیاسی یا بازنگری قانون اساسی دست بردارد و این موضوع پایان یافته تلقی شود. (دولت آبادی، پیشین: ۴/۳۶۰) پس از آن همراه با مشیرالدوله به تالار مجمع عمومی که بیشتر نمایندگان مجلس، کنسول انگلیس و مخالفان جمهوریت حضور داشتند رفتند و رضا خان از علما در مورد مسائل اتفاق افتاده پوزش خواست و قرار شد افرادی را که به کلانتری برده شدند آزاد کنند و سپس خطاب به همگان گفت چون ملت موافق جمهوریت نیست من نیز از آن صرف نظر کردم. (هدایت، پیشین: ۳۶۷)

رهبران مذهبی، مخالفان جمهوریت

رهبران مذهبی و علما، رهبری مخالفان جمهوری خواهی را برعهده گرفته بودند. علما با مشاهده اعمال ضد دینی و سکولار که در کشورهایی که جمهوری اعلام شده بود می ترسیدند که در ایران هم با اعلام جمهوری مانند غرب اصلاحات گسترده ای برای تضعیف نهادهای سنتی و کاهش نفوذ اجتماعی دین و رهبران مذهبی صورت بگیرد... (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۸۵) با شروع زمزمه های جمهوری خواهی چندین گردهمایی از طرف علما تشکیل شد. در یکی از آنها که نائینی اصفهانی و حائری حضور داشتند، مقرر شد سردار سپه را قانع کنند که خطری از سوی احمد شاه نمی تواند کشور را تهدید کند زیرا بر اساس قانون اساسی ایران، شاه از مسئولیت مبرا است و فاقد نیروی مطلقه است. (حائری، پیشین: ۱۸۸)

در این میان رضاخان متوجه شد که علما رهبری کننده مخالفان جنبش جمهوری خواهی می باشند و برای فرونشاندن مخالفان مجبور شد که در ۶ فروردین ۱۳۰۳ش به دیدار علما برود و در آنجا با آیات عظام حائری، نائینی و اصفهانی دیدار نماید و از خدادهای اتفاق افتاده اظهار تاسف و ندامت کرد، با آنان تبادل نظر نمود و همه خواسته های علما را قبول کرد. (الموتی، ۱۳۶۹: ۱۷۰) در نتیجه این دیدار تلگرافی به امضای علمای سه گانه در ۷ فروردین ۱۳۰۳ش به تهران مخابره شد و به فروکش

نمودن غوغای جمهوریت و جلب اعتماد ملی کمک کرد. رضاخان از همین تلگراف به نفع خویش استفاده کرد و بیش از پیش خود را در چشم جامعه به آنها نزدیک کرد و وقتی نامه تشکر آمیز نائینی و دوستانش برای وی فرستاده شد، رضاخان آن را به نشانه حمایت از خود تلقی کرد لذا برآن شد گامی جدی تر در راه خلع احمدشاه آخرین پادشاه قاجار بردارد. (حائری، پیشین: ۱۹۱-۱۹۲) بدنبال این تلگراف رضاخان اعلامیه ای صادر کرد و اعلام نمود که... بالاخره چنین مقتضی دانستیم که به عموم ناس توصیه نمایم که عنوان جمهوری را موقوف و درعوض تمام هم خود را مصروف سازند که موانع اصلاحات و ترقیات مملکت را از پیش برداشته در منظور مقدس تحکیم اساس دیانت و استقلال مملکت و حکومت ملی با من معاضدت و مساعدت نمایند. (حائری، پیشین: ۱۹۰) حوادث پیش آمده و نقش علما در ناکام ماندن اهداف رضاخان باعث شد تا رضاخان به این یقین برسد که یکی از موانع جدی در مسیر قدرت یابی و انجام اصلاحات سیاسی اقتصادی نیروهای مذهبی هستند و باید به گونه ای به تضعیف آنها پرداخت... (الموتی، پیشین: ۱/۱۷۰)

مخالفت مدرس به این علت بود که به خوبی میدانست که به محض به قدرت رسیدن رضاخان کار به دیکتاتوری می انجامد و آن مختصر آزادی که از مشروطه بدست آمده همه یکسر از بین می رود. وی با پایبندی به قانون اساسی به مخالفت با جمهوری خواهی می پرداخت و آنرا ساخته و پرداخته بیگانگان می دانست. ایشان قانون اساسی را قابل تغییر می دانست ولی از بازگشت به دوره استبداد هراس داشت. (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۳۱؛ طاهری، ۱۳۷۳: ۳۹۳) و مدرس می گفت: من با جمهوری واقعی مخالف نیستم زیرا حکومت صدراسلام یک حکومت جمهوری بوده است. اما این جمهوری که می خواهند برماتحمیل کنند مبتنی بر ادامه ملت نیست بلکه انگلیسی ها می خواهند ما را به پذیرش آن وادارند و اگر حقیقتاً نامزد جمهوری فردی آزادیخواه و ملی بود حتماً با او همراهی می نمودم. (مکی، پیشین: ۲/۴۹۳، ۴۹۵؛ رک: سرداراسعدبختیاری، ۱۳۷۲: ۱۱۶) از دیگر علمایی که در ماجرای جمهوری خواهی نقشی داشتند عبارت بودند از: شیخ محمد خالصی زاده، شیخ حسن لنکرانی و آیات اعظام سید ابوالحسن غروی... (حائری، ۱۳۶۴: ۱۸۸)

انعکاس جمهوری خواهی در مطبوعات داخل و خارج

مطبوعات یکی از ابزارهای خبررسانی محسوب می شود و نقش مهم در تغییر افکار یا ترویج فکری بازی می کند. در این ایام روزنامه ها از عواملی بودند که در تحریک احساسات مردم به طرفداری یا عدم طرفداری از جمهوریت نقش اساسی بر عهده داشتند. روزنامه ها نیز به ۲ دسته طرفدار و مخالف تقسیم شده بودند و هر یک براساس عقیده و مرام خویش در مورد آن تبلیغ می کردند. معروفترین روزنامه های جمهوری خواه عبارت بودند از: ایران، ستاره ایران، تجدد، میهن، ناهید، وطن، کوشش، گلشن. این روزنامه ها خواسته های رضاخان را تبلیغ می کردند (بهار، پیشین: ۲/۵۹؛ رک: هاشمی، ۱۳۶۳: ۳۱۷، ۳۲۷، ۳۰۷، ۳۰۵، ۲۴۵، ۱۶۳، ۱۴۶ / ۳ و ۴؛ برزین، ۱۳۷۱: ۱۲۶) بحث های روز این جراید به ۳ بخش تقسیم میشد: سرمقاله آنها بیشتر در مبانی نظری جمهوری و انواع و اشکال مختلف حکومتها بحث و قلمفرسایی میکرد. بخش دیگر به تلگرافها و راپورتهای ایالات و ولایات مبنی بر خلع قاجاریه و تشکیل حکومت جمهوری اختصاص داشت و آخری به حوادث پیرامون احمدشاه در فرانسه می پرداخت. (رک: روزنامه ستاره ایران، ۶ اسفند ۱۳۰۲، شماره ۱۳۴ و ۱۴ اسفند ۱۳۰۲، شماره ۱۴۱؛ روزنامه شفق سرخ، ۱۶ و ۱۷ اسفند ۱۳۰۲)

برای اولین بار روزنامه ستاره ایران با چاپ عکس احمد شاه در کنار زنان اروپایی این سوال را مطرح کرد که آیا چنین پادشاهی لایق احترام یا دفاع است؟ در ادامه در کنار نفی نظام های پادشاهی به محسنات جمهوری می پردازد. در همین راستا نیز مقاله ای با عنوان اسلام و جمهوریت، نظام جمهوری را مغایر با اسلام ندانسته و آنرا در بردارنده جنبه های مفید و مثبت و نیز نقاط قوت نظام مشروطه دانست. (روزنامه ستاره ایران، حمل ۱۳۰۳: ۱)

روزنامه شفق سرخ جمهوریت را ضرورت می دانست و معتقد بود کشور ما را رضاخان به سوی جمهوریت رهبری نمی کند بلکه جمهوریت یکی از تقاضاهای زمان ماست ... (تريا و ایرانسکی، ۱۳۷۴: ۱۶۷) همزمان با مطبوعات داخلی مطبوعات فارسی زبان خارج از کشور نیز به این جمع پیوستند. یکی از این مطبوعات مجله ایرانشهر بود (مدیریت کاظم زاده)، که درج مقالاتی در پیرامون جمهوریت به دفاع از آن پرداخت. (حائری، ۱۳۵۸: ۱۸۷) این مجله مقاله ای با عنوان جمهوریت و انقلاب اجتماعی چاپ کرد که اگرچه جمهوریت آخرین و بهترین شکل تکامل یافته انواع حکومتهای پدیدآمده تا به امروز است و بیش از انواع حکومتهای دیگر می تواند متضمن آزادی و سعادت مندی و پیشرفت یک قوم باشد اما بی تردید درجه تمدن و تربیت هر قوم نقش تعیین کننده ای در شکل و ماهیت حکومت آن دارد. پس به این نتیجه میرسیم که ابتدا باید در روح و قلب و اخلاق ملت تحول ایجاد کرد تا به سطحی از تکامل اجتماعی برسد که از آزادی و جمهوریت به نحو احسن بهره گیرد. ملت ما که هنوز مشروطیت را به درستی نفهمیده است و نمایندگان مجلس به ضرب چماق و تهدید و تطمیع انتخاب می شوند و هنوز تعلیم اجباری و رایگان در آن ممکن نیست و در تمام ایران موفق به تاسیس چند صد مدرسه ابتدایی نشده ایم و اکثریت قریب به اتفاق ملت بی سوادند ... نمی توان به پیروزی و کامیابی جمهوریت امید داشت. (کاظم زاده، ۲۶ بهمن ۱۳۰۲: ۲۷۵-۲۷۴؛ همانجا، ۷ فروردین ۱۳۰۳: ۳۷۷-۲۶۹) همچنین روزنامه حبل المتین (مدیریت مویده السلام) که در کلکته چاپ می شد در چند شماره به بررسی تحلیلی حرکت جمهوری خواهی تحت عنوان لزوم جمهوریت و تفکیک قوای روحانی پرداخت. این مقاله رهبران دینی را مهمترین مخالفان این جنبش عنوان می کند... (روزنامه حبل المتین، سال ۳۲، شماره ۵، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷) در کنار مطبوعات، میتینگ و تظاهرات خیابانی، کنسرتها، نمایش نامه ها، شعرخوانیهادر طرفداری از جمهوریت برپا می شد... مانند عارف جمهوری خواه که کنسرت هایش سرو صدای زیادی کرد و عشقی هم که اشعاری بر ضد جمهوری بنام جمهوری نامه نوشت و در روزنامه قرن بیستم به چاپ رساند. در این روزنامه تصویر مرد مصلح و غضب آلودی را بنام مظهر جمهوری کشیده اند که در دست راست تفنگ و در دست چپ سکه نقره دارد و بالای سرش سایه جمهوری نمایان است و در اطراف آن اسامی روزنامه هائی که هر کدام از آنان را به شکل یکی از حیوانات نشان می دهد، نوشته است: افعی روزنامه " ناهید " - جغد " تجدد " - موش " کوشش " - سگ " ستاره " - الاغ " گلشن " - گربه " جارچی " (رک: سلیمی، ۱۳۲۴: ۲۴۵-۲۴۷ و ۲۵۲، ۲۵۳: رک: دولت آبادی، پیشین: ۴/۳۵۱)

واکنش های سیاست خارجی در مورد اندیشه جمهوری در ایران

شوروی که در آن زمان تازه از زیر بار فشار انقلاب بیرون آمده بود به این نتیجه رسیده بود که رضاخان فردی ملی و نماینده نیروهای بورژوا دموکراتیک است و چون از توده مردم برخاسته است قطعاً حرکت های او در مملکت کمک شایانی به آرمانهای سوسیالیسم خواهد کرد. از اینرو به تمام نیروهای خود در داخل و خارج کشور دستور داد تا با وی همکاری کنند. سلیمان میرزا نیروی فعال سوسیالیست ها در مجلس پنجم به همراه سایر کمونیست های ایرانی بر اساس همان دستورالعمل کلی از تاکتیک های

رضاخان برای اعلام جمهوری صد در صد پشتیبانی کردند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۵؛ ربک به: مدرس، ۱۳۵۷: ۹۱؛ گرکانی، ۱۳۶۸: ۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲؛ مکی، ۱۳۵۷: ۲۰؛ اسفندیاری، بی تا: ۱۷۰)

در این میانه انگلستان نیز سیاست روشنی اتخاذ کرده بود، حوادث جمهوری را در ایران با جزئی ترین وقایع آن زیر نظر داشت. در جو عمومی محافل سیاسی کشور در دوران مجلس پنجم این اندیشه حاکم بود که جمهوریت و پیامدهای آن با فکرو نظر انگلیسی ها تامین و اجرا می کردند. سابقه نفوذ و دخالت های انگلستان در این مملکت، آن کشور را دشمن شماره یک ایران شناسانده بود اما با تمام این ها شایع بود که انگلستان مخالف و روس ها موافق جمهوری هستند. (هدایت، پیشین: ۳۶۶) حوادث بعدی کشور بخوبی نشان داد که این خط مشی از طرف انگلستان مراحل رشد و ترقی خود را طی نمود (لورن، ۱۳۶۳: ۵۵؛ ر.ک آبرونساید، ۱۳۶۰: ۵۲)

ناکامی طرح جمهوری خواهی و استعفای رضاخان

شکست در طرح جمهوری خواهی باعث شد تا شاه و ولیعهد که سلطنت را از دست رفته تلقی میکردند با غنیمت شمردن وقت به بازسازی موقعیت خود اهتمام نمایند. شاه تلگرافی به مجلس فرستاد و ضمن ابراز عدم اعتماد به رضاخان خواستار این شد که فرد دیگری را به مقام نخست وزیری انتخاب کند. (الموتی، پیشین: ۱/۱۷۶)

موقعیت رضاخان علیرغم این شکست به علت همراهی با علما چندان بدنبود، چرا که از یکطرف رضاخان که توانسته بود با اعلام پایبندی به شریعت و رهبران دینی مخالفان را آرام نماید. او پس از دیدار با نمایندگان شوروی، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و نیز جمعی از علما و روزنامه نگاران و رجال سیاسی که نتیجه مطلوبی دریافت نکرد رضاخان تصمیم گرفت برای همیشه کشور را ترک کند و به عتبات برود. به همین منظور شیخ مهدی نجم آبادی که عهده دار امور شرعی وی بود به دستور رضاخان وکالت نامه ای به نام سرهنگ کریم بوذرجمهری تنظیم کرد و همه اختیارات زندگیش را در غیاب خود به عهده وی سپرد. (میرزا صالح، پیشین: ۱۳۱) این تصمیم رضاشاه باعث شد تا مشاورانش او را از این اقدام برحذر دارند و او را متقاعد کنند که به ملک شخصی خود در رودهن برود. البته نمایندگان هم در این تصمیم نقش مهمی داشتند چرا که به او گفتند این مجلس است که تکلیف همه چیز را مشخص می کند. (همان: ۱۳۲-۱۳۱)

رضاخان در این میان سعی کرد با پناه بردن به ترفند همیشگی خود یعنی استعفا اوضاع را به نفع خود به پایان برساند، ضمن یادآوری خدمات خود برکناری خود را از امور اعلام نمود و در انتها اظهار داشت " یگانه حافظ و نگهبان استقلال ملت و مملکت قشون اساسی و توانایی و نظم قشون بسته به اتفاق و اتحاد معنوی شماسست پس باید متحدا و از صمیم قلب پیش از پیش برای حفظ انتظام و اقتدار قشون کوشش و فداکاری نمایند که ایران نگران خدمات شماسست. فعلا قشون را به شما و شما را به خدا می سپارم. " (مجله پهلوی، اردیبهشت ۱۳۰۳: ۲-۱). بنابراین او روز ۱۸ فروردین ۱۳۰۳ ش از کار کناره گرفت و به عنوان قهر از تهران خارج و به طرف رودهن رهسپار گردید و به این ترتیب غائله جمهوریت پایان پذیرفت.

این استعفا در این موقعیت زمانی حربه مناسبی بود چون شخصیت ها با سابقه و کهنه کار یا از قبول مسئولیت خودداری میکردند و یا اصلا در خارج از کشور بودند. آنان می دانستند که با اقدامات رضاخان و پایگاه او امکان تشکیل کابینه برای هیچیک از شخصیت های سیاسی وجود ندارد. پس از این اقدام رضا خان هواداران او در مجلس نهادها و محافل سیاسی به دفاع از او

پرداختند. روزنامه ها نیز با کنار گذاشتن جمهوری خواهی به خدمات رضاخان پرداختند و از او خواستند که از این تصمیم صرف نظر کند مثلا روزنامه شفق سرخ به سردبیری علی دشتی با مقاله ایی تحت عنوان " پدر وطن رفت " ، رضاخان را پدر میهن و نمونه کامل روح مردانگی و شجاعت ایرانی معرفی نمود که هیچکس شایسته جانشینی او نیست. (مستوفی ، پیشین: ۶۰۲)

در کنار روزنامه ها و سازمانهای نظامی در ۱۸ فروردین سیلی از تلگرافها و پیامهای تهدید آمیز به مجلس و مطبوعات فرستاده شد و دست به اقداماتی برای بازگرداندن او به قدرت زدند. (امیر احمدی: ۱۳۷۳: ۲۳۱) درچنین فضای فرصت طلبان از فرصت استفاده کرده و دست به ایجاد آشوب و بلوا زدند تعدادی از شهروندان مورد تهدید و آزار قرار گرفتند و حتی جنازه هایی در سطح شهر پیدا شد. (ترکمان ، ۲۶ دی ۱۳۷۷: ۶) علت اصلی این وقایع این بود که رضاخان را عامل اصلی نظم و امنیت در ایران عنوان کنند. یکی از این تلگرافها ، تلگراف سپهد امیر احمدی امیر لشکر غرب بود. در این تلگراف تهدید کرد که اگر در ظرف ۴۸ ساعت آینده رضا خان مجددا به ریاست الوزرا یی منصوب نشود ما سپاه خود را از لرستان بیرون می آوریم... در پایتخت نیز روزنامه ها آتش معرکه را داغتر می کردند و حتی فرماندهان ارتش از پذیرش سرلشکر انصاری به وزارت جنگ سرپیچی و تاکید کردند که فقط از سردار سپه فرمانبرداری خواهند کرد. (امیر احمدی ، پیشین : ۲۳۲) با این اوضاع پیش آمده مجلس در صدد چاره جویی برآمد و حتی اقلیت مجلس به دنبال برگرداندن رضاخان بودند لذا در جلسه ۱۹ فروردین مقرر شد که ۱۲ تن از نمایندگان از جناح و فراکسیون های مختلف به نمایندگی از همه جریانهای فعال در مجلس انتخاب شوند و به رودهن برای دیدن رضاخان بروند. (فرخ ، ۱۳۴۴: ۱۸۴)

پس از دیدار رضاخان با قبول شرط مجلس مبنی بر حکومت بر اساس قانون اساسی و اطاعت از شاه و با وعده همه نوع همکاری از طرف مجلس دوباره به قدرت برگشت و قول داد بر مبنای حاکمیت مشروطه ، کشوری مترقی و سربلند بسازد. (بهار ، پیشین: ۷۷-۱/۷۶) پس در ۲۴ فروردین کابینه خود را به مجلس معرفی نمود و علیرغم کنار گذاشتن سلیمان میرزا اسکندری از وزارت معارف بقیه برنامه های خود را تغییری نداد.

نتیجه گیری :

طرح جمهوری خواهی در برابر سلطنت به معنای تکامل اجتماعی - تاریخی نبود بلکه به عنوان تاکتیکی برای برکناری حریف و دستیافتن به قدرت بود. هدف او بی شک وارد ساختن ضربه سهمگین بر پیکر حکومت قاجار بود ، راهی بهتر از طرح جمهوری خواهی وجود نداشت اما اگر رضاخان در این مساله توفیق می یافت بدون شک جمهوری او تفاوتی با دیکتاتوری بعدی اش نداشت. تاکتیک رضاخان در طرح جمهوریت از چنان وضعی در عمل برخوردار بود که نتوانست در برابر مقاومت های مجلس و روحانیون تاب آورد ، حال آنکه سرسختی رضاخان برای همگان آشکار بود و او هنگامیکه در دستیابی به اهداف خود یعنی متزلزل کردن پایه های حکومت قاجار و همچنین آماده سازی اذهان برای تغییر رژیم و در نهایت به قدرت رسیدن خود اطمینان حاصل کرد در کنار گذاشتن تقاضای جمهوریت لحظه ای درنگ نکرد و اهداف خود را نه برقراری جمهوری بلکه استقلال ایران و حفظ و حراست عنوان کرد. چند عامل موجب ناکامی طرح جمهوریت بود که عبارتند از :

۱. ماجرای جمهوریت با همه فراز و نشیب هایی که داشت نشان داد که برخلاف مشروطیت جایگاه (خاستگاه) و پایگاه داخلی ندارد، ریشه این ماجرا در بیرون کشور قرار داشت و تنها شاخه ای از آن به داخل کشور آورده شده بود.

۲. تمام شخصیت های بدنام کشور (وابسته به انگلیس و شوروی) خواهان جمهوری بودند از جمله خود رضا خان که خواستار قدرت مطلقه بود و دیگر آنکه این اندیشه بدون درک و شناخت مبانی نظری و بدون نیاز به شعور و آگاهی اجتماعی تنها با پیروی از نمونه های خارجی آن تعقیب می شد.

۳. افراد مورد توجه و محبوب مردم چه از رجال چه از علما با جمهوریت مخالف بودند .

۴. مردم با تمام نارضایتی های بیکه از خاندان قاجار و احمد شاه داشتند و با همه خدماتیکه سردار سپه انجام داده بود ، به قانون اساسی ، مجلس و مشروطه دلبستگی داشتند و جمهوری در نزد آنها ، آنها با توجه به نمونه های موجود در جهان جز کشتار و خونریزی (فرانسه) و بی دینی و لاقیدی (ترکیه) چیزی نبود . بهمین دلیل پس از دو سه ماه از آغاز ماجرا به کلی خاموش شد و حتی کسی هم از آن حرفی به میان نمی آورد .

۵. درجاییکه می بایست نظام جمهوری قانونی شود یعنی مجلس شورای ملی ، مخالفت جناح اقلیت سد بزرگی در مقابل هواداران جمهوری ایجاد کرد . اما علمای مذهبی پایان دهنده اصلی این جریان بودند . آنها با توجه به میزان شناختی که داشتند ، جمهوری را مخالف شرع می دانستند و آن را جریانی سکولار به حساب می آوردند . درنهایت رضا خان نیز با مشاهده مخالفت علما با صدور بیانیه ای از جمهوری صرف نظر کرد و پس از ناکام ماندن این حرکت فکر تعویض سلطنت در اندیشه وی جوانه زد .

منابع و ماخذ:

۱. آدمیت ، فریدون ، ۱۳۴۰، *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت* ، تهران، انتشارات سخن.
۲. -----، ۱۳۵۱، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار* ، تهران، انتشارات خوارزمی.
۳. -----، ۱۳۵۵، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت* ، تهران ، انتشارات پیام.
۴. -----، ۱۳۵۷، *اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی*، تهران ، انتشارات پیام.
۵. -----، ۱۳۶۳ ، *اندیشه های طالبوف تبریزی*، تهران ، انتشارات دماوند.
۶. -----، ۱۳۵۴، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران* ، تهران ، انتشارات پیام.
۷. اتحادیه ، منصوره ، ۱۳۶۱، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت* (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی) ، تهران ، گستره.
۸. -----، ۱۳۷۲ ، *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجار*، تهران، نشر گستره.
۹. آذری ، علی ، ۱۳۵۴، *قیام شیخ محمد خیابانی*، تهران ، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه.

۱۰. اعظام قدسی، حسن، ۱۳۴۲، *خاطرات من با روشن شدن تاریخ صدساله*، ج ۲، تهران، ابوریحان.
۱۱. امیر احمدی، احمد، ۱۳۷۳، *خاطرات نخستین سپهبد ایران احمد امیر احمدی*، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
۱۲. الموتی، مصطفی، ۱۳۶۹، *ایران در عصر پهلوی*، انگلیس، چاپخانه پکا.
۱۳. آبرونساید، سرادموند، ۱۳۶۱، *خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرونساید به ضمیمه اسناد و مکاتبات سیاسی وزارت خارجه انگلستان*، ترجمه بهروز قزوینی، آینه، تهران.
۱۴. بامداد، مهدی، ۱۳۷۱، *شرح رجال ایران در قرن های ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری*، ج ۲، تهران، انتشارات زوار.
۱۵. بختیاری، جعفرقلی خان، *خاطرات سردار اسعد بختیاری*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۲.
۱۶. بهار، محمدتقی، ۱۳۵۷، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی*، تهران، امیرکبیر، ج ۲.
۱۷. پاولویچ، تریا و ایرانسکی و دیگران، ۱۳۷۴، *سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه م. هوشیار، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران.
۱۸. ترکمان، محمد، ۲۶ دی ۱۳۷۷، *پیشینه ی ترور در تاریخ معاصر ایران*، در گفتگو با روزنامه صبح امروز.
۱۹. حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۴، *تشیع و مشروطیت در ایران نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۰. دولت آبادی، یحیی، ۱۳۶۲، *حیات یحیی*، تهران، انتشارات عطار و فردوسی.
۲۱. رواسانی، شاپور، ۱۳۶۸، *نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران*، تهران، نشر شمع.
۲۲. رستمی، فرهاد، ۱۳۷۸، *پهلوی ها خاندان پهلوی به روایت اسناد*، ج ۱ رضاشاه، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲۳. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۷۴، *رسائل مشروطیت*، تهران، کویر.
۲۴. صدر هاشمی، محمد، ۱۳۶۳، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، جلد ۱، اصفهان، کمال.
۲۵. صدیق، عیسی، ۱۳۵۴، *یادگار عمر*، ج ۱، تهران، انتشارات دهخدا.
۲۶. طاهری، صدرالدین، ۱۳۷۳، *یک بررسی تحلیلی از زندگی سیاسی مدرس*، تهران، رسا.
۲۷. جهانگیر میرزاقاجار، ۱۳۲۷، *تاریخ نو*، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، علمی.

۲۸. غنی، سیروس، ۱۳۷۷، *ایران برآمدن رضاخان و برافتادن قاجارها و نقش انگلیسی ها*، ترجمه: حسن کامشاد، تهران، انتشارات نیلوفر.
۲۹. فخرایی، ابراهیم، ۱۳۵۴، *سردار جنگل میرزا کوچک خان*، تهران، ابراهیم سازمان انتشارات جاویدان.
۳۰. فرخ، مهدی، ۱۳۴۴، *خاطرات سیاسی فرخ معتمد السلطنه*، تهران، جاویدان.
۳۱. کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۶۲، *تاریخ بیداری ایرانیان*، ج ۲، تهران، انتشارات آگاه.
۳۲. کوهی کرمانی، حسین، بی تا، *برگی از تاریخ معاصر ایران یا غوغای جمهوری*، چاپخانه مجلس.
۳۳. کاتوزیان، محمد علی، ۱۳۶۶، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلطنت پهلوی*، تهران، پایپروس.
۳۲. -----، ۱۳۶۸، *خاطرات سیاسی خلیل مکی*، تهران، بامقدمه شرکت سهامی انتشار.
۳۴. گلشائیان، عباسقلی، ۱۳۴۹، *گذشته ها و اندیشه ها ی زندگی یا خاطرات من*، تهران، انیشتین.
۳۵. گاردان، کنت آلفردو، ۱۳۶۲، *ماموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال، تهران، انتشارات نگاه.
۳۶. گرکانی، منشور، ۱۳۶۸، *رقابت روسیه و انگلیس در ایران*، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی.
۳۷. لورن، سرپرسی، ۱۳۶۳، *شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات فلسفه.
۳۸. ملیکف، ا.س، ۱۳۵۸، *استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۳۹. مستوفی، عبدالله، ۱۳۷۱، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، تهران، زوار.
۴۰. مکی، حسین، ۱۳۷۰، *تاریخ بیست ساله ایران*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴۱. میرزا صالح، غلامحسین، ۱۳۶۴، *مجموعه سفرنامه های میرزا صالح شیرازی*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۴۲. میرزا صالح، غلامحسین، ۱۳۷۲، *رضاشاه، خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی و علی ایزدی*، تهران، طرح نوف.
۴۳. مشیر سلیمی، علی اکبر، ۱۳۲۴، *کلیات مصور عشقی*، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
۴۴. میلسپو، بی تا، *ماموریت آمریکائیه در ایران*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، انتشارات پیام.
۴۶. نوری اسفندیاری، فتح الله، بی تا، *رستاخیز ایران*، مدارک مقالات و نگارشات خارجی ۱۳۲۳-۱۲۹۹، چاپخانه سازمان برنامه.
۴۷. هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه)، ۱۳۶۳، *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار.

مساله جمهوريت در دوره رضا خان

۴۸. هدايت ، مهدی قلی (مخبر السلطنه) ، ۱۳۶۳ ، گزارش ایران ، تهران ، نشر نقره .

۴۹. هدايت ، رضا قلی ، ۱۳۸۰ ، روضه الصفا ، تصحيح جمشيد کيانفر ، تهران ، اساطير .

مقالات و روزنامه ها :

۱. امين ، حسن ، آذر و دی ۱۳۸۰ ، تاريخچه جمهوري خواهی در ایران ، مجله اطلاعات سياسي - اقتصادي ، شماره ۴-۳ (۱۷۲-۱۷۱)

۲. کاظم زاده ایرانشهر ، بهمن ۱۳۰۲ ، حسين ، جمهوريت و انقلاب اجتماعي ، مجله ایرانشهر ، سال ۲ ، شماره ۷ ، ۶-۲۶ ، ۵ .

۳. روزنامه ستاره ایران ، سال نهم شماره ۱۵۷ ، دوشنبه ۲۵ شعبان ، ۱۱ ، ۱۳۴۲ ، حمل ۱۳۰۳ ، ۳۱ مارس ، ۱۹۲۴ ؛ روزنامه ستاره ایران ، سال نهم ، شماره ۱۵۷ ؛ روزنامه ستاره ایران ، ۱۹ اسفند ، ۱۳۰۲ ، شماره ۱۴۴ ؛ روزنامه شفق سرخ ، ۱۴ اسفند ، ۱۳۰۲

۴. روزنامه حبل المتين ، لزوم جمهوريت و تفکيک قوای روحانی در ایران ، سال ۳۲ ، شماره ۱۷

۵. صورت مذاکرات مجلس شورای ملی ، دوره پنجم قانونگذاری ، ج ۱ ، ۵ رجب ۱۳۴۲ ، ۱۶ رجب ۱۳۴۳ ، ذیل مذاکرات ۱۱ شعبان ۱۳۴۲

۶. روزنامه شفق سرخ ، ۱۶ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۶ اسفند ۱۳۰۲ ، ۷. مجله پهلوی ، شماره ۲۶ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۲۸ ، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۰۳